

RS

موفقیت‌ها و شکست‌های محض آمریکا در ۲۰۲۵

سال اول ریاست‌جمهوری ترامپ که رئالیسم «اول آمریکا» را در سیاست خارجی وعده می‌داده تنها خروج از یک وضعیت بلکه یک تصویر متناقض عمیقی را ارائه داد، بنابراین کارنامه حاصل از آن علیه خودش دچار اختلاف‌نظر شده است. در یک طرف پیشرفت‌های شایسته‌ای برای کشورداری مسئولانه وجود دارد: استراتژی جدید امنیت ملی که برتری طلبی را رد می‌کند، گفت‌وگوهای مجدد با روسیه به‌راه افتادند و برخی پیشرفت‌های دیپلماتیک که از طریق توافقات عمل‌گرایانه حاصل شدند. از سوی دیگر، به‌ویژه در آمریکای لاتین بقایایی سرسخت مداخله‌گرایی نسنجیده و همانند خاورمیانه، استراتژی ناهماهنگی وجود دارد که میراث همان سیاست خارجی ارتدوکسی است که دولت ترامپ وعده سرنگونی آن را داده بود. این، تنش اصلی این لحظه است: دولتی که میان برخی تمایلات محدودکننده و اقداماتی گیرافتاده که همچنان ریشه در مداخله‌گرایی ویرانگرانه دارد. سند جدید استراتژی امنیت ملی نشان‌دهنده یک تغییر مهم هر چند ناقص از پیگیری برتری است، ره رسمی سلطه جهانی توسط آن نشان‌دهنده گسستی ضروری از اجماع پس از جنگ سرد است که منجر به جنگ بی‌پایان و گسترش بیش از حد استراتژیک است. اگرچه این استراتژی از برتری فاصله می‌گیرد اما گذار آن به خویشتن‌داری را می‌توان گفت در بهترین حالت ناقص است، مثلاً تمرکز بر نیمکره غربی منطقی است اما اتکای مداوم واشنگتن به ابزارهای قهری در آمریکای لاتین خطر تضعیف مشارکت‌های منطقه‌ای و نزدیک‌تر کردن کشورها به پکن را به‌همراه دارد؛ کشوری که هم‌اکنون شریک تجاری اصلی بسیاری از کشورهاست. از سوی دیگر پیشرفت روابط آمریکا با بلاروس ناشی از تعامل محتاطانه با دولت بلاروس است که جایگزین لفاظی‌های اخلاقی بی‌ثمر و حداکثری دولت بایدن و مقامات اروپایی شده است. رویکرد فعلی آمریکا به رهبری جان کول، فرستاده ویژه به‌طور مستقیم توانست آزادی بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی سرشناس در بلاروس را در ازای تعلیق تحریم‌ها بر صادرات برخی از محصولات کشاورزی و چشم‌انداز عادی‌سازی بیشتر روابط تضمین کند. در مقابل حمله به ایران یک اشتباه استراتژیک فاجعه‌بار از سوی آمریکا بود. پس از وعده مذاکره با ایران، آمریکا به حملات اسرائیل علیه ایران پیوست و پیشرفت دیپلماتیک را در هم شکست. اتخاذ خط قرمز اسرائیلی‌ها (عدم غنی‌سازی اورانیوم) به‌جای خط قرمز آمریکا (عدم تسلیحاتی شدن) مذاکرات را به بن‌بست رساند، در حالی که بنیامین نتانیاهو تلاش می‌کند این بار بر سر موشک‌های بالستیک برای جنگی دیگر با ایران لابی کند (چون ترامپ ادعا کرده بود که زیرساخت‌های هسته‌ای در حملات آمریکا از بین رفته‌اند)، توانایی ترامپ در مقاومت در برابر فشار، تعهد به خویشتن‌داری در خاورمیانه را تعریف خواهد کرد. سابقه این اقدامات دلگرم‌کننده نیست. توقیف مرگبار کشتی‌های ونزوئلا بدون مدرکی واضح، یک اقدام جنگی غیرقانونی و بدون کسب مجوز از کنگره محسوب می‌شود. دولت برای این موضع تهاجمی خود دلایل مختلفی ارائه می‌دهد: در ابتدا موضوع به قاچاق مواد مخدر مربوط بود سپس به ادعاهایی مبنی بر «دزدیدن نفت آمریکا توسط ونزوئلا» تغییر جهت داد. این امر این تصور کلی را ایجاد می‌کند که هدف واقعی ترامپ تغییر رژیم در کاراکاس است. از طرف دیگر در سوریه، مرگ پرسنل سوری نتیجه مستقیم عدم پایان دادن قاطع به ماموریت نظامی پس از شکست خلافت ارضی داعش است. نیروهای آمریکایی بدون هدف استراتژیک مشخص در سوریه باقی مانده‌اند و این امر آنها را به اهداف دائمی داعش و سایر نیروهای متخاصم تبدیل کرده است. درک عمومی این است که خاورمیانه دیگر نباید بر سیاست خارجی آمریکا تسلط داشته باشد. استقرار نامحدود در سوریه به‌جای تأمین منافع آمریکا، پای واشنگتن را به باتلاق‌های منطقه‌ای واشنگتن می‌کشاند و تلفات بیشتری را در آینده تضمین می‌کند. تنها راه موجود برای جلوگیری از تلفات آینده این است که آمریکا به‌طور کامل از سوریه خارج شود. حضور آمریکا در آنجا مدت‌هاست که از هر هدف منطقی که داشته فراتر رفته و به یک مسئولیت مرگبار تبدیل شده است. شکست جامع دولت ترامپ برای اعمال فشاری معنادار بر اسرائیل در سال ۲۰۲۵ نیز نشان‌دهنده فروپاشی دوگانه خویشتن‌داری در سیاست خارجی است که هم ارم دیپلماتیک و هم اصول حقوق بین‌الملل را کنار می‌گذارد. دولت آمریکا ضمن حمایت بی‌قید و شرط از اقدامات اسرائیل، هرگونه انگیزه‌ای را برای اسرائیل جهت احترام به آتش‌بس میانجی‌گری شده توسط ترامپ در غزه از بین برد، چه پرسد به پیگیری یک راه‌حل سیاسی واقعی با فلسطینی‌ها.



یاسمن طاهریان

خبرنگار گروه بین‌الملل

دونالد جی ترامپ در طول زندگی حرفه‌ای خود همیشه بر حلقه بسیار کوچکی از خانواده و چند نفر از شرکایش تکیه کرده است. جرد کوشنر، غول امپراتوری کمپانی املاک و همسر ایوانکا، دختر دونالد ترامپ، هر دو خصوصیت را دارد. او هم داماد ترامپ است و هم مشاوری معتمد. جرد کوشنر از همان دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ به‌عنوان مشاور ارشد فعالیت می‌کرد و ترامپ همواره مسئولیت‌های بسیار سنگینی را روی دوش کوشنر گذاشته است که شامل برقراری صلح در خاورمیانه، اعمال تغییر در دولت ایالات متحده، مذاکره دوباره و ایجاد تغییر در «توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی» یا به اختصار نفتا که دو قرن ونیم بین آمریکا، مکزیک و کانادا قدمت داشت. کوشنر ۴۴ ساله در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ که به‌عنوان مشاور ارشد خدمت می‌کرد، روابط دیپلماتیک خود را با کشورهای عربی ایجاد کرد. او به‌عنوان کلیدی پیمان ابراهیم، مجموعه‌ای از توافقنامه‌هایی که روابط بین اسرائیل و سه کشور عربی را عادی‌سازی می‌کرد، تبدیل شد: امری که برای کوشنر درکی از پیچیدگی‌های منطقه و عوامل کلیدی که در آن نقش دارند، ایجاد کرد.

عده‌ای دلیل موفقیت او در مذاکرات نفتا را آشنایی کوشنر با وزیر خارجه مکزیک از دوران خود در وال استریت می‌دانند و البته روابط نزدیکی که با نمایندگان تجاری کانادا ایجاد کرده بود. او همچنین مدت زمان زیادی را در اسرائیل گذرانده است و حالا در دولت دوم ترامپ هم علاوه بر مذاکرات آتش‌بس میان اسرائیل و حماس در مذاکرات صلح میان اوکراین و روسیه نقش مهمی دارد.

کوشنر در ماه اکتبر به همراه استیو ویتکاف به مصر سفر کرد تا به‌همراه دیگر میانجی‌گران حماس را متقاعد کنند خلع‌سلاح شود و گروگان‌های اسرائیلی را تحویل دهد. به‌گزارش نیویورک تایمز، این دو نفر در طول سفر هوایی خود به بررسی راه‌هایی پرداختند که احساس می‌کردند باعث از بین رفتن این توافق می‌شود و اینکه چه کاری می‌توانند برای نجات آن انجام دهند. همکاری کوشنر و ویتکاف به این شکل است که کوشنر طرح‌های مختلفی را پیش‌نویس می‌کند و ویتکاف تماس‌های تلفنی را برقرار می‌کند. کوشنر می‌گوید: «در بازار املاک نیویورک، شما همیشه در حال مذاکره هستید. اما قبل از اینکه قرارداد را ببندید و پول خود را پرداخت کنید باید در مورد موارد بسیاری مذاکره کنید. فکر می‌کنم ما به معامله‌های پیچیده که پویایی بسیاری دارند، و همچنین شخصیت‌های پیچیده، عادت داریم.»

تادور اول ریاست‌جمهوری ترامپ، کوشنر که فارغ‌التحصیل دانشگاه هاروارد است، ۱۰ سال از زندگی حرفه‌ای خود را در تجارت گذرانده بود. او تا سال ۲۰۱۶ مالک رسانه آبرزور بود. کوشنر از سال ۲۰۰۷ خرید و ادغام چندین نشریه چاپی و آنلاین در برند آبرزور را آغاز کرد که نیویورک آبرزور را هم شامل می‌شد. سوال اینجاست که کوشنر که حالا در آستانه ۴۵ سالگی قرار دارد، چه تجربه‌ای داشت که بتواند از تقریباً ۳۵ سالگی برای مسئولیت‌هایی دونالد ترامپ در کاخ سفید روی دوشش می‌اندازد، آماده باشد؟ مردی که همه‌جا هست، زمانی که ترامپ فرمان اجرایی امضای می‌کند حضور دارد، برای مذاکرات صلح به همراه استیو ویتکاف که او هم یکی دیگر از غول‌های املاک و دوست نزدیک ترامپ است به اسرائیل و روسیه سفر می‌کند ولی کمتر پیش می‌آمد صدایش شنیده شود.

سال ۲۰۱۶، زمانی که اکثر آمریکایی‌ها نمی‌دانستند ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ چه شکلی خواهد بود، روس‌ها به‌دقت پیش‌بینی کردند که داماد ترامپ، جرد کوشنر به‌چهره‌ای فوق‌العاده قدرتمند در دولت آینده تبدیل می‌شود و صحبت از تجارت با او می‌تواند مسیری برای نفوذ سیاسی باشد. او در سال ۲۰۰۹ با ایوانکا ترامپ ازدواج کرد. کوشنر که در خانواده یهودی ارتدوکس بزرگ شده یک خواهر بزرگتر، یک خواهر و برادر کوچکتر از خود دارد. ایوانکا ترامپ پس از ازدواج با کوشنر به یهودیسم روی آورد. مثل دونالد ترامپ، کوشنر هم یک کمپانی املاک دارد که پدرش آن را راه‌اندازی کرده بود. کوشنر در سال ۲۰۰۵ پس از آنکه پدرش، چارلی کوشنر به جرم فرار از پرداخت مالیات به زندان رفت، در ۲۵ سالگی ریاست‌این کسب و کار خانوادگی را برعهده گرفت، چارلی کوشنر حالا شامل عفو ریاست‌جمهوری شده و هم‌اکنون به‌عنوان سفیر آمریکادر فرانسه فعالیت می‌کند.

دادستانی که چارلی کوشنر را تحت تعقیب قرار داد کریس کریستی، فرماندار جمهوری خواه نیوجرسی بود که در آن زمان به‌عنوان وکیل وزارت دادگستری آمریکا فعالیت می‌کرد. برخی منابع می‌گویند دلیلی که کریس کریستی به‌عنوان معاون ترامپ انتخاب نشد، مخالفت کوشنر بود. در دور اول ریاست‌جمهوری ترامپ، زمانی که رئیس‌جمهور منتخب با باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق برای انتقال دولت دیدار کرد، کوشنر با رئیس‌دفتر اوباما در کاخ سفید قدم می‌زد. رئیس‌دفتر یکی از مهم‌ترین مقام‌های کاخ سفید و فردی بسیار نزدیک به رئیس‌جمهور است که در واقع تنها کسی است که برای رئیس‌جمهور تعیین می‌کند چه کاری انجام‌دهد، با چه کسانی ملاقات کند و هر کسی که بخواد به رئیس‌جمهور نزدیک شود باید از فیلتر او رد شود.

چهره بین‌الملل



تکس: Getty Images

دلایل نابغه

درباره جرد کوشنر داماد رئیس‌جمهور آمریکا که پشت پرده معامله‌های بزرگ در خاورمیانه و جهان حضور دارد

▼ شخصیت ترامپ و کوشنر به یکدیگر نزدیک است

در سال ۲۰۰۷ اولین ملکی که کوشنر به‌عنوان مدیرعامل اجرایی کمپانی خانواده‌گی‌اش خرید، ساختمان شماره ۶۶۶ در خیابان پنجم بود که گران‌ترین خرید ملک تجاری در آمریکا (حدوداً ۱/۸ میلیارد دلار) به‌شمار می‌رفت. پس از این خرید، بازار مالی به‌شدت سقوط کرد. بنابراین کوشنر مجبور شد درباره بدهی این ملک دوباره مذاکره کند تا پول کمتری بپردازد. این مذاکره پرتنش به نفع کوشنر تمام شد. به گفته افرادی که در این تیم مذاکره بودند، ریچارد مک یکی از سرمایه‌گذاران و وام‌دهندگان ساختمان ۶۶۶ یکی از مخالفان اصلی ایده کوشنر بوده است. مک از این ناراحت بود که کوشنر وعده داده بود بدهی‌های این ساختمان به وام‌دهندگان وبانک‌ها با نرخی مشخص پرداخت می‌شوند ولی بعد نگرش را عوض کرده و میزان پرداختی را کاهش داده است. جرد کوشنر که مالک آبرزور بود سراغ الزابت اسپیزر سردبیری که خودش استخدام کرده بود می‌رود تا گزارشی ضد ریچارد مک با اطلاعاتی که کوشنر دارد، بنویسد. اسپیزر به‌واشنگتن پست تایید می‌کند که کوشنر از او خواسته چنین گزارشی درباره ریچارد مک نوشته شود اما خبرنگار اسپیزر به او می‌گوید که این داستان واقعیت ندارد. در جلسات هفتگی، کوشنر هر بار از اسپیزر درباره این گزارش پیگیری می‌کرده اما اسپیزر به او می‌گفته که نمی‌تواند اطلاعات کوشنر را تایید کند.

چند سال بعد کوشنر در کنفرانسی درباره شیوه برخورد با تضاد منافع می‌گوید که اگر نمی‌خواهید تعارضی وجود داشته باشد باید در خانه بشینید و در را به‌روی خود قفل کنید. این نمونه‌ای از شیوه برخورد کوشنر با دو کسب و کار خود است. او از آبرزور به‌عنوان سلاحی علیه دشمنان و رقبایش در کمپانی‌های املاک استفاده می‌کرد. بنابراین می‌توان گفت از خیلی جهات شخصیت کوشنر به ترامپ نزدیک است.

▼ سابقه خانوادگی کوشنر

آندریا برنشتاین، روزنامه‌نگار در کتاب «الیگارش‌های آمریکایی: خانواده کوشنر، ترامپ و ازدواج، پول و قدرت» می‌نویسد، در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۶، جرد کوشنر در ساختمانی به فاصله‌ای نه‌چندان دور از برج ترامپ در منهتن در جلسه‌ای شرکت کرد. یک ماه پس از پیروزی غافلگیرکننده ترامپ در انتخابات ریاست‌جمهوری، کوشنر با سرگنی گورکف، سیاستمدار، بانکدار، وکیل و رئیس بانک دولتی روسی وینشکونومبانک یا VEB دیدار کرد. کوشنر بعدها در شهادت خود در کنگره گفت که اهدافش از این جلسه تماماً دیپلماتیک

بوده است. سفیر روسیه در آمریکا به او گفت که گورکف «خط تماس مستقیمی با رئیس‌جمهور روسیه دارد که می‌تواند دیدگاهی از دولت جدید را به پوتین و بهترین راه‌ها برای همکاری با یکدیگر ارائه کند.»

پتر آون، یکی از الیگارش‌هایی که در این جلسه حضور داشت به بازرسان رابرت مولر، بازرس ویژه رسیدگی به پرونده دخالت‌دعایی روسیه در انتخابات ۲۰۱۶ آمریکا توضیح داد که در آن ماه، ولادیمیر پوتین یک «جلسه همه‌جانبه الیگارشی» را ترتیب داد تا درباره روابط روسیه و آمریکا گفت‌وگو کنند. دست‌کم سه نفر از برجسته‌ترین الیگارش‌های روسیه تلاش کردند روابط خود را با مردی که همتای ایده‌آل آنها به‌نظر می‌رسید، تقویت کنند: الیگارش جوان آمریکایی که خود در خانواده‌ای ثروتمند بزرگ شده و داماد رئیس‌جمهور، جرد کوشنر است.

گورکف با پافشاری سفیر روسیه توانست این جلسه را برگزار کند. به گفته کوشنر، این دونفر درباره روابط آمریکا و روسیه گفت‌وگو کردند و تجارت در دستورالعمل این جلسه قرار نداشت. اما یکی از سخنگوهای VEB برای واشنگتن پست ماجرای دیگری را بازگو کرد. واشنگتن پست نوشت: «بانک می‌گوید که این جلسه به‌عنوان بخشی از استراتژی جدید تجارت وبا کوشنر به‌عنوان کسی که در رأس کسب و کار ملک و املاک خانواده‌اش است، برگزار شده است.»

وقتی بازرسان مولر از کوشنر سوال کردند، او تمام تلاش خود را کرد این ایده را القا کند که به ملاقات با گورکف اهمیت چندانی نمی‌دهد که به‌نظر می‌رسید تلاشی بود برای تقویت استدلال خود مبنی بر اینکه به‌هیچ‌وجه در طول انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۱۶ با عوامل دولتی روسیه تبنانی نکرده است. طبق گزارش مولر «کوشنر در گفت‌وگویی اعلام کرد که در هیچ‌گونه آماده‌سازی برای این جلسه شرکت نکرده و هیچ‌کس در تیم انتقال دولت حتی نام گورکف را در گوگل جست‌وجو نکرده است.» اما گورکف خود را آماده کرده بود. او با خود دوهیله آورده بود که نشان داد بررسی دقیق و آگاهانه‌ای را درباره مرد جوانی که با او قرار ملاقات داشت، انجام داده است. همانطور که کوشنر در ژوئیه ۲۰۱۷ به بازرسان کنگره توضیح می‌دهد، یکی، اثری هنری از نووگرودوک (شهری در بلاروس) شده‌اند و دیگری یک «کیسه خاک از همان روستا» بوده است. از «روستایی که پدر بزرگ و مادر بزرگ» کوشنر در آن متولد شده‌اند و دیگری یک «کیسه خاک هدیه‌ای بود که به‌طور ویژه‌ای طنین‌انداز شد: مادر بزرگ جرد، ری کوشنر، یکی از چندصد نفری بود که از نووگرودوک، بلاروس امروزی اسما در آن زمان